

روز جمهوری اسلامی

تهدیدهای نرم علیه جمهوری اسلامی ایران؛ اهداف، ابعاد و راه های رابطه مقابله با آن گفت وگو...



دوازده فروردین 1390

الف-قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

ب-تهدیدهای نرم علیه جمهوری اسلامی ایران؛ اهداف، ابعاد و راه های رابطه مقابله با آن گفت وگو
چکیده

موضوع این مقاله «بررسی ابعاد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، آسیب ها و راهکارها» است. امروزه بیشتر کشورهای غربی به جای تهدیدات سخت، به تهدیدات نرم رو آورده اند. از این رو، توجه به اهمیت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابل کشورهای غربی ضرورت دو چندان می یابد.

آنچه از این مقاله به دست می آید این است که دین و ایدئولوژی، انسجام ملی، فرهنگ ایثار و شهادت، مردمی بودن حکومت و غرور ملی از مؤلفه های تقویت کننده قدرت نرم هستند. همچنین آسیب هایی قدرت نرم، جمهوری اسلامی ایران را تهدید می کند که شناختن آن ضروری است.

کلید واژگان: ایران، قدرت نرم
الف-قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

پیش گفتار
پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سطح بین المللی، با تکیه بر قدرت دین و معنویت، معادلات سیاسی و مناسبات معمول در روابط بین الملل را بر هم زد و جهانیان را شگفت زده ساخت. این انقلاب، در کوتاه ترین زمان مرزهای جغرافیایی را در هم نوردید و پیام خود را که همان مبارزه با ستم و برپایی حکومت عدل جهانی بود، به دورترین نقاط جهان رساند. انقلاب اسلامی ایران رami توان تجلی تحقق قدرت نرم در سطح جهانی دانست. بنابراین، ضروری است پس از گذشت بیش از سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی، مؤلفه های ایجاد و تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بررسی و آسیب های موجود شناسایی شود.

در این پژوهش، پس از بیان مفهوم و تاریخچه ای از قدرت نرم، ابعاد قدرت ج. ا. ا. در سطح داخلی و بین المللی بررسی می شود و افزون بر بیان برخی آسیب های قدرت نرم، به راهکارهایی برای رفع آسیب ها و تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، اشاره می شود.

مفهوم شناسی قدرت نرم
نخستین بار جوزف نای، با الگو گیری از قیام مردم در انقلاب اسلامی ایران، مفهوم قدرت نرم (1) را در سال 1990 مطرح کرد. وی در تعریف قدرت نرم می گوید: «قدرت نرم، توجه ویژه به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر، از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی یک کشور به قدرت نرم دست می یابد که بتواند (اطلاعات و دانایی) را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کارگیرد و اختلافات را به گونه ای ترسیم کند که از آنها امتیاز گیرد.» (2) قدرت نرم، توانایی رسیدن به اهداف و خواسته ها از راه مجذوب کردن، به جای اجبار و امتیاز است. (3) به عبارت دیگر، قدرت نرم به آن دسته از قابلیت ها و توانایی های کشور گفته می شود که با به کارگیری ابزاری چون فرهنگ، آمال یا ارزش های اخلاقی به صورت غیر مستقیم، بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می گذارد. (4) قدرت نرم با هدف تنظیم اولویت های طرف مقابل، با ابزارهایی مانند فرهنگ، انتقال ارزش ها و نهادهای اجتماعی از راه دیپلماسی عمومی یا دیپلماسی دو جانبه یا چند جانبه اعمال می شود. تفاوت این قدرت با دیگر قدرت ها این است که ابزارهای قدرت و سیاست های اعمال آن، به جای موارد عینی و مادی، در چارچوب هایی معنایی و فرهنگی قرار دارند. (5)

تاریخچه قدرت نرم
ریشه های تاریخی قدرت نرم را در اندیشه های استراتژیست های بزرگی مانند سن تزو (شش قرن پیش از میلاد) به روشنی می توان دید. دیدگاه تزو، اراده دشمن و شکست آن را هدف قرار داده است. تزو در جبهه خودی نیز بر رهبری و فرماندهی فردی که نفوذ اخلاقی، خردمندی و انصاف داشته باشد، تأکید دارد. وی تصریح می کند: «مقصود من از نفوذ اخلاق، امری است که موجب هماهنگی مردم با رهبران شان است، به گونه ای که مردم رهبران خود را در زندگی و مرگ پیروی کنند، بی آنکه از به خطر افکندن زندگی خویش هراسی به دل راه دهند.» (6)

وی معتقد است چنانچه با مردم به مهربانی، عدل و انصاف رفتار و بدان ها اعتماد شود، ارتش از روحیه هم بستگی بهره مند می شود و همگان از خدمت به رؤسای خود خوش دل خواهند بود.

هر چند دیدگاه استراتژیست های کهن شرقی مانند سن تزو بر ارزش های موجد قدرت نرم تأکید دارد، ولی چنین نگرشی در ادیان الهی به ویژه اسلامی در سطحی بسیار بالا به چشم می خورد. (6)

با گرایش بنیان های اصلی قدرت از نظامی گری به اقتصاد و فرهنگ و قدرت اطلاعات، امروز بیشتر بر روی قدرت نرم و پی آمدهای عمیق و پایدار آن تأکید می شود. امروزه برخلاف گذشته، اشغال بنیان های فکری و باورهای ملت ها و تغییر فضای ذهنی انسان ها تأکید می شود. تغییر یا ساختن ذهنیت افراد یا ایجاد عینیت های غیر حقیقی با بهره گیری از ابزار رسانه، بستر ساز سلطه جدید استعمار شده است.

منابع قدرت نرم
با توجه به ماهیت و ویژگی های قدرت نرم، منابع قدرت نرم را نیز متناسب با آن، باید در فرهنگ و اجتماع و حوزه های رفتاری جست و جو کرد. منابع قدرت نرم در حوزه داخلی عبارتند از:

1. فرهنگ و ارزش های فرهنگی
فرهنگ به مثابه یکی از اجزای اصلی زیست جمعی انسان، چنان ظرفیتی دارد که می توان از آن با عنوان جعبه ابزاری نام برد که به فعالیت ها، کارها و رفتارها شکل و سازمان می دهد.

فرهنگ، عبارت است از مجموعه ای از آداب و رسوم، اخلاقیات، عقاید و ارزش هایی که از راه جامعه پذیری، از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. (7)

هرچند فرهنگ و ارزش های آن در سطح جامعه ریشه دارتر و عمیق تر باشد، قدرت ملی آن جامعه نیز بیشتر خواهد بود.

2. دین وایدئولوژی
دین و مذهب، از برجسته ترین مؤلفه هایی است که نقشی تعیین کننده در فرهنگ دارد. ماهیت دین و مذهب به گونه ای است که جهت گیری های اصلی را تعیین و باورهای عمیق را در افراد، تولید و بازتولید می کند. (8)

در کشور ما تشیع، به عنوان منبع مهم تولید کننده قدرت نرم به شمار می آید. در دنیای کنونی، اگر اسلام به عنوان یک فرهنگ، مقابل فرهنگ غربی و آمریکایی قرار گرفته باشد، در سطح کوچک تر مذاهب گوناگون و از آن جمله مذهب شیعه، خرده فرهنگ های آن دین بزرگ به شمار می روند. (9)

مذهب شیعه با داشتن پیشینه فکری عمیق، به عنوان یک تفکر انقلابی در مقابل ستمگران و نیز تفکر فرهنگ غربی و آمریکایی ایستاده است و در قالب گروه ها و جنبش های اسلامی در کشورهای چون ایران، عراق، لبنان و یمن. به قدرتی نرم تبدیل شده است.

3. انسجام ملی
اتحاد و انسجام یک ملت و نیز هم بستگی اقوام آن با وجود تفاوت سلیقه ها و دیدگاه ها، از منابع مهم تولید قدرت نرم است. پرورش روحیه هم بستگی و داشتن هویتی منسجم در ایران مبتنی بر اصل نه شرقی و نه غربی، سبب شده است ایران همواره مقابل تهدیدهای خارجی مقاومت کند و هر روز قدرتمندتر از پیش به عنوان قدرتی برتر، مقابل رژیم های استکباری قرار گیرد. (10)

4. فرهنگ ایثار و شهادت
فرهنگ ایثار و شهادت با توجه به ماهیت مذهبی ملت ایران در فرهنگ ملت، جایگاهی ویژه دارد.

یک شهروند مسلمان ایرانی، شهادت را نه به معنای معدوم شدن، بلکه به معنای رسیدن به حیات و زندگانی ابدی می بیند و آن را محو شدن در وجود الهی معنا می کند. با این اندیشه ارزشمند، ملت ایران توانست در سال های دفاع مقدس، با امکانات محدود، در برابر یکی از مهم ترین ارتش های وقت دنیا و بهره مند از حمایت همه جانبه قدرت های غربی، قد علم کند و سرافراز گردد.

5. غرور ملی
گذشته پرافتخار تاریخی و تمدن درخشان ایرانی، غروری ملی را در فرهنگ سیاسی ملت ایران به وجود آورده است. از این رو، ایرانیان هیچ گاه در برابر متجاوزان و زورگویان تسلیم نمی شوند و ایستادگی و شهادت را به تسلیم و زبونی ترجیح می دهند. هر چند این غرور، ویژگی های عمومی ملت های جهان است، ولی از عوامل قدرت نرم ایرانیان در برابر تهدیدهای خارجی به شمار می رود که تاکنون نقش حیاتی ایفا کرده و در میان دیگر ملت ها کمتر نمود داشته است. (11)

6. ماهیت حکومت و مردمی بودن آن
حکومت خوب، از اصول مهم قدرت نرم کشورها به شمار می رود. برای خوب بودن حکومت، شاخص های گوناگونی وجود دارد، ولی شاید بهترین و گویاترین شاخص، نحوه و میزان حمایت های مردمی از حکومت و ارزش ها و آرمان های آن باشد.

حکومت جمهوری اسلامی ایران با 98 درصد آراء موافق، از مهم ترین و منحصرترین حکومت های مردمی است. ماهیت نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران که مردم خواهان آن بودند از مهم ترین دلایل قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سطح بین المللی است. (12)

ابعاد قدرت نرم جمهوری اسلامی در ایران

1. در سطح داخلی
الف) رهبری امام خمینی (رحمه الله)

رمز رهبری امام خمینی (رحمه الله) را می توان بیان ارزش هایی دانست که جذابیت محتوای آن، همراه با باور قلبی به امام و گفته های مبتنی بر آموزه های فقهی و اسلامی ایشان، مردم را به پیروی بی چون و چرا از فرامین ایشان متقاعد می ساخت. چنین رهبری سیاسی که از جذابیت، مشروعیت و اعتبار برخوردار بود، توانست افراد را مصمم به تحقق خواسته های انقلاب جذب و ترغیب کند. امام خمینی (رحمه الله) با ایفای نقش رهبری و بهره مند از نفوذ معنوی بالا توانست به خنثی سازی جنگ روانی و تبلیغاتی دشمنان و تقویت قدرت نرم به ویژه در دوران جنگ تحمیلی بپردازد. همچنین، با مدیریت بحران داخلی و بین الملل، اقتدار شخصیتی خویش را برای تثبیت بنیادهای انقلاب به منصف ظهور رساند. (13)

ب) وحدت ملی

انقلاب اسلامی ایران با بهره گیری از اعتماد ملی به عنوان سرمایه اجتماعی، به تعمیق وحدت و هم بستگی ملی و تجمیع، همه اقشار و گروه های ملی و مذهبی کشور همت گمارد. همچنین با بهره مندی از مشارکت عمومی، فرهنگ بسیجی، استقلال طلبی، سازندگی و عدالت خواهی را در جامعه گسترش بخشید.

وفاق اجتماعی به عنوان مظهر قدرت نرم توانست به ایفای کارکردهایی چون هم فکری، هم احساسی، هم کنشی و شکل گیری ذهن اجتماعی بپردازد که همکاری و تعامل میان گروه های گوناگون اجتماعی را در پی داشت بپردازد و نظم درونی و بی نیازی از نظم بیرونی و سیاسی را آشکار ساخت. در پرتو انقلاب اسلامی، پایایی و پویایی نظم درونی، افزون تر شد و ضریب اعتماد اجتماعی میان گروه های گوناگون جامعه از یک سو و مردم و دولت از دیگر سو بالاتر رفت. هم بستگی ملی و مشارکت عمومی به عنوان مظهر قدرت نرم درانقلاب اسلامی، پذیرش آگاهانه و شرکت مؤثر همه افراد جامعه برای رسیدن به اهداف ویژه و پیاده کردن نظام و عقاید، باورها، گرایش ها و اندیشه ها را در پی داشت همچنین این وفاق ملی، همکاری و همیاری آگاهانه، داوطلبانه و از روی میل و رغبت را با استفاده از تمامی امکانات موجود جمعی، توأم با حساسیت و مسئولیت پذیری و قانون گرایی در فرآیند انقلاب اسلامی گسترش داد. مشارکت سازنده و کارآمد مردم، وجدان کاری و انضباط اجتماعی، انگیزه و غرور ملی، حفظ ارزش های دینی، پاسخ گو بودن حکومت در برابر مردم، قانون گرایی، تقویت روحیه اعتماد به نفس جوانان، مودت و هم بستگی در جامعه، همگی سرمایه های اجتماعی به شمار می آیند که به کیفیت وحدت عمومی می افزایند. (14)

ج) عدالت اجتماعی

از دیگر زمینه های مهم و اساسی برقراری امنیت اجتماعی، عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی، یعنی وجود توازن، برابری، تعادل و هماهنگی در روابط اعضای جامعه و همه جنبه های زندگی اجتماعی، چنان که حق مسلم هر انسانی که حداقل آن، برخورداری از نیازهای اولیه حیات است، رعایت و تأمین آن تضمین شود. فرض وجود امنیت، بدون عدالت اجتماعی، امر محال است، چنان که اجتماع دو چیز متناقض مانند شب و روز ناممکن است. بدون عدالت اجتماعی، نه تنها سخن گفتن از امنیت، پوچ و بیهوده است، بلکه امکان دسترسی به ارزش های الهی و آرمان های انسانی و شرافتمندانه وجود نخواهد داشت. عدالت اجتماعی است که ملت را در زندگی اجتماعی و سلوک فردی، به سوی ارزش های والا و ارزشمند رهنمون می سازد و موجب سعادت و نیک بختی عمومی و کمال مطلوب می شود. و راه رسیدن افراد به نیکی را هموار می سازد. همچنین براساس عدالت اجتماعی، مؤسسه های تأمین کننده و حافظ منافع عمومی کشور تأسیس می گردد و آموزشگاه ها و مدارس مناسب برای آماده ساختن مردم و مجهز کردن آنها به فرهنگ درست، ایجاد می شود. در این راه از قوانین و مقررات شرع که برای حفظ و نگهداری حقوق و سلامت افراد لازم است، استفاده می شود، تا در همه این امور براساس نظامی درست و حکیمانه که عقل به آن فرمان می دهد و شرع آن را تصویب می کند، عمل شود. (15)؛ (16)

حاکمیت عدالت اجتماعی در جامعه مانند وجود تعادل در کشتی است. کشتی تا هنگامی که تعادل دارد و می تواند این وضعیت را در خود حفظ کند، سرشار از امنیت و آرامش است و سرنشینان آن با آسودگی خیال به حرکت و سفر خود ادامه می دهند، ولی آنگاه که این تعادل از بین برود، ترس و ناامنی، وجود همه سرنشینان کشتی را فرا می گیرد و لحظه ای آرام و قرار برای آنها باقی نمی گذارد. نبود عدالت اجتماعی نیز، همچون بی تعادلی کشتی است و امنیت و آرامش را از اعضای جامعه سلب می کند. (16)

د) حاکمیت قانون و اجرای آن

از دیگر زمینه های اساسی برقراری امنیت اجتماعی، پیروی از قانون و حاکمیت آن در روابط اجتماعی است؛ زیرا لازمه زندگی اجتماعی، روابط اجتماعی است و قانون همچون خط کشی، مرز روابط افراد جامعه را مشخص می کند و به آن سامان می دهد.

قوه قانون گذاری و مجالس مقننه اغلب، با توجه به اوضاع و احوال جامعه و ارزش ها و آرمان های مورد قبول اجتماع، به اشکال گوناگون قانون را تصویب می کنند و افراد باید برای بهتر زیستن و حفظ امنیت خود و جامعه، از این قوانین اطاعت و در چهارچوب آن عمل کنند و به حریم آن تجاوز نکنند. بی شک، نقض قانون موجب بی نظمی و هرج و مرج می شود و به برهم خوردن امنیت اجتماعی و تضعیف قدرت نرم می انجامد.

بنابراین، برای حفظ نظم و استقرار قدرتمندانه، امنیت لازم است. از اصول اولیه و ضروری استقرار امنیت، حاکمیت قانون است. برای تحقق این امنیت باید قانون پاسدارانی داشته باشد که برای دفاع از حرمت آن، از کارایی و صلاحیت کافی داشته باشند. بنابراین، حاکمیت قانون، موجب استقرار و تقویت قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران است. (17)

الف) بازسازی تمدن اسلامی

انقلاب اسلامی ایران با انتقال خود باوری فرهنگی به ملت های مسلمان و بهره گیری از فن آوری های مدرن انقلابی برای انتقال پیام نو اندیشی دینی در جهان اسلام، توانست رویکرد تمدنی خود را به نمایش بگذارد. همچنین با احیای ارزش هایی چون عدالت محوری و عدالت گستری، توسعه و تعالی همه جانبه و دورن زا، توسعه عدالت محور، کرامت انسانی و آزادی های مشروع، صلح طلبی، عزت نفس، استقلال گرایی، توسعه اخلاق و دین مداری، هنجار سازی، شکوفایی، حس خداجویی، حقیقت طلبی، علم دوستی و نوع دوستی و تحکیم مبانی مردم سالاری دینی و گسترش آن، زمینه های شکوفایی و بالندگی دوباره تمدن اسلامی را با هدف تمدن سازی نوین فراهم آورد.

بدین ترتیب، تمدن اسلامی با تشکیل ایدئولوژی واحد توانست غرب را به دست کشیدن از ادعای جهان شمولی خود وادار سازد. افزون بر این، انقلاب اسلامی تقویت بنیادهای تمدن اسلامی را با اهتمام در به چهار سطح تحلیل (در این تمدن) مورد توجه قرار داد. نخست در سطح تحلیل فردی، رفتار مسالمت آمیز و نیکوی هر فرد با دیگران براساس

راستگویی، رأفت، وفاداری، احساس و اخلاق شایسته ارج نهاد.

دوم در سطح تحلیل اجتماعی، بر تعامل جوامع مسلمان بر اساس همکاری فرهنگی و بازرگانی و تحکیم روابط دوستی و مودت و برادری تأکید کرد. سوم در سطح تحلیل سیاسی، بر ضرورت تعامل دولت ها با ملت ها و اهتمام رهبران سیاسی به خواسته های ملت های مسلمان پافشاری کرد و چهارم در سطح تحلیل فرهنگی، بر تبادل اندیشه ها میان تمدن اسلامی و دیگر تمدن ها تأکید ورزید.

براین اساس، انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر ترویج فرهنگ و تفکر استقلالی در جهان اسلام، نوعی خود باوری فرهنگی و استقلال اندیشه را برای مسلمانان به ارمغان آورد و با از بین بردن خود باختگی در حوزه اندیشه، به بازسازی تمدن اسلامی پرداخت.

همچنین، انقلاب اسلامی با بهره گیری از فنون جدید ارتباطی و ابزارهای نوین اطلاعاتی و رسانه ای، به بازسازی تمدن اسلامی بر اساس تعیین اصول دینی و ارزشی و تقویت فضای عمومی یا جامعه مدنی اسلامی و ارتقای آگاهی های دینی و سیاسی جهان اسلام پرداخت. به این ترتیب، انقلاب اسلامی ایران، با تقویت مبانی حوزه استدلال و تولید فکر و اندیشه و تشویق رابطه متقابل و همه جانبه جوامع مسلمان با یکدیگر، مشوق اصلی بازسازی تمدن اسلامی براساس مفهوم سازی و هنجار سازی و با تکیه بر ظرفیت های خودی و درونی و استفاده از الگوهای دینی و بومی جوامع مسلمان به شمار می رود. (18)

ب) ارتقای بیداری اسلام

انقلاب اسلامی با بالا بردن سطح آگاهی و بیداری گسترده در میان مردم محروم و مستضعف جهان اسلام، روحیه شهادت و شجاعت برای مبارزه را در آنان ایجاد کرد. همچنین، ایجاد خودباوری به توان و امکانات درونی و تشویق به شناخت بیشتر تجربه های تاریخی و عملی جنبش آزادی بخش، جرئت مردمی را برای مبارزه با ستم و فساد، براساس اندیشه های انقلاب اسلام فرونی بخشید. انقلاب اسلامی به عنوان نقطه آغاز خیزش تفکر اسلامی، با پرورش قشر جدیدی به نام نخبگان به عنوان تولیدگران اندیشه اسلامی، به احیای ارزش های دینی پرداخت و عزت و اعتماد به نفس را در آنان تقویت کرد.

همچنین، با تقویت انگیزه مردمی، افزون بر ایجاد خیزش و بیداری اسلامی، جنبش های عظیم اجتماعی را به وجود آورد. این انقلاب توانست با احیای تفکر دینی در جهان معاصر، تجدید حیات اسلام و بازگرداندن آن به صحنه بین المللی سیاست، نشان دادن خصیصه جهانی و سیاسی اسلام، تجدید حیات مذهبی در اغلب کشورهای جهان اسلام در قالب جنبش های دینی نو، تشویق حضور مجدد دین در زندگی مدرن و احیای معنا دار دین و حیات دنیا در زندگی روزمره، دین را به عنوان عامل ثبات و پایداری در عین حرکت آفرینی معرفی کند و جهان را با نقش دین در حیات بشری آشنا سازد. این مهم، اهمیت قدرت اعتقادی برای ارتقای نقش آفرینی مسلمانان را دو چندان کرد. همچنین، موجب شد اسلام گرایی از نقش محوری در مبارزات آزادی خواهان مسلمان برخوردار شود، اسلام در مبارزات انقلابی تمرکز و محوریت یابد، به عنوان بزرگ ترین عامل احیا کننده روح و تضمین کننده سعادت انسان ها معرفی شود و سرانجام با اثر تأثیر گذاری معنوی بر نهضت های اسلامی و مردمی، زمینه گسترش بیداری اسلامی را در سراسر جهان اسلام فراهم سازد. (19)

د) احیای هویت جهان اسلام

انقلاب اسلامی با زنده کردن هویت اسلامی به پیوند دین و سیاست پرداخت. احیای هویت تمدن اسلامی و نقش آفرینی اندیشه اسلامی در عرصه هنجار سازی و گفتمان سازی، حکایت از آن دارد که انقلاب اسلامی توانسته است نقش دین را در نظام تصمیم گیری منطقه ای و بین المللی اثبات کند. این مهم، مرهون بازسازی تمدنی در پرتو انقلاب اسلامی بود که بر شاخص هایی چون پیوند دیانت و سیاست، نفی قشری گری و ظاهر گرایی، نفی فساد و فحشا، اقامه و گسترش عدالت اجتماعی، حمایت از مستضعفان و مبارزه با ستم و جور، حق گرایی و برقراری حکومت حق، نفی گرایش های اومانیستی و مادی گرایانه، نفی انگیزه ها و تعصبات قومی، نژادی و ملی گرایانه استوار بود. تکیه بر قدرت معنوی، تقویت خودباوری، شناخت و آگاهی مسلمانان از ظرفیت های بومی، تبیین جهان شمولی و فراگیری اسلام در جنبه های زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان، فراهم آوردن زمینه های عملی وحدت و هم بستگی جهان اسلام، پرهیز از دامن زدن به اختلاف های مذهبی و ایجاد زمینه های وحدت فکری و عملی میان پیروان فرقه ها و مذاهب گوناگون اسلامی از دیگر شاخصه هایی است که انقلاب اسلامی بر آن استوار بود، تأکید بر نقاط اشتراک شیعه و سنی برای وسعت بخشی به دامنه وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام، تأکید بر نقش سازنده دین در سیاست و اثبات توانایی آن در به دست گرفتن حکومت، نمایاندن اهمیت انگیزشی اسلام برای حرکت بخشی به مبارزات انقلابی ملت های مسلمان، محوریت بخشیدن به روحیه اسلامی و انگیزه و هدف اسلام خواهی، اثبات باور قدرت دین و انگیزه های مذهبی در مبارزه و انقلاب، احیای جنبش بازگشت به خویشتن در جهان اسلام، احیای اسلام در صحنه زندگی بشری و جوامع انسانی و تبیین جایگاه اسلام در نظریه پردازی و تعریف گفتمان غالب در میان نخبگان مسلمان نیز از دیگر شاخصه ها بود.

بدین ترتیب، انقلاب اسلامی با پراکندن نور عدالت و معنویت، مبارزه با بی عدالتی و تبعیض، نفی جنگ افروزی، احیای تفکر اسلامی و نشان دادن قدرت حقیقی اسلام، به تقویت مجدد عظمت جهان اسلام و تجدید حیات آن در عرصه جهانی پرداخت و با صدور پیام معنوی خود، اعتماد ملت های مسلمان به آینده نظام مردم سالاری دینی را افزایش بخشید. (20)

3. جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حمایت از حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش به ویژه در فلسطین، نقش و جایگاهی ویژه یافت. انقلاب اسلامی ایران با تبیین اینکه «اسلام، راه حل و جهاد، وسیله اصلی است»؛ به مبارزات مردم فلسطین و انتفاضه آنان جنبه‌ای فراملی بخشید. و مبارزه با رژیم صهیونیستی را جهانی کرد. اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس از سوی امام خمینی، شش ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نشان از عمق توجه ایران به مسئله فلسطین و اعتقاد به حمایت از مبارزات آنان داشت. انقلاب اسلامی ایران توانست با ارتقای بیداری و آگاهی جهان اسلام به آرمان فلسطین، مظلومیت مردم مبارزه فلسطین را به همگان ثابت کند و از فلسطینیان بی‌پناه در برابر جنایات رژیم صهیونیستی حمایت جهان به عمل آورد.

بدین ترتیب، خارج کردن مبارزات ضد صهیونیستی از حصارهای تنگ قومی، عربی، سرزمینی و ملی گرایانه و بخشیدن جنبه‌ای اسلامی و ایدئولوژیک به آن، موجب شد. مبارزات مردم فلسطین ابعاد گسترده‌تری یابد. از این رو، انقلاب اسلامی، به مقابله با رژیم اشغالگر صهیونیست ادامه دهد. درحقیقت، گروه‌های اصول‌گرای اسلامی با پذیرش نمادها و شعارهای انقلاب اسلامی به عنوان اصول اساسی جهاد و تأکید بر شهادت و فداکاری و سلحشوری در راه هدف، از انقلاب اسلامی پیروی کردند و انقلاب ایران نقش خود را در جهانی کردن مسئله فلسطین و گسترش مبارزات آزادی‌بخش اسلامی در فلسطین و مبارزه با صهیونیسم در ابعادی جهانی ایفا کرد. (21)

پی‌نوشت‌ها :
1-soft power

2. حجت‌الله مرادی، قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، ص 382.
 3. گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی، تدوین و ویراستار: حسین انصاریان نژاد، تهدید نرم و راهبردهای مقابله، تهران، پایگاه دانشگاه عالی دفاع ملی، 1388، ص 86.
 4. دکتر علی اصغر افتخاری و همکاران، قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، ص 68.
 5. همان.
 6. قدرت و جنگ نرم، از نظریه تا عمل، صص 22-24. (تلخیص).
 7. قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، صص 221 و 222.
 8. همان، ص 122.
 9. همان، صص 341 و 342.
 10. همان، ص 276.
 11. همان، ص 281.
 12. همان، صص 284 و 285.
 13. داور رنجبران، جنگ نرم، ص 84.
 14. جنگ نرم، صص 84 و 85.
 15. نک: نهج البلاغه، ص 531.
 16. امنیت، ضامن بقای جامعه، ص 32.
 17. سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی- دفتر سیاسی، امنیت؛ ضامن بقای جامعه، برگرفته از : صص 33-35.
 18. جنگ نرم، ص 92.
 19. همان، صص 92 و 94.
 20. همان، صص 95 و 96.
 21. نک: همان، صص 97 و 98.
- منبع: کرمانی زاده، عین‌اله، اشارات (ش 1 پیاپی 142)، انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، قم، 1390.